

وظائف شیعیان در عصر غیبت چیست؟

<?xml encoding="UTF-8">



در عصر غیبت بر عهده شیعیان وظائف متعددی هست که به طور مختصر به برخی از آنها با استفاده از روایات اشاره می کنیم:

1. معرفت و شناخت مقام امام و ولایت

الف : لزوم شناخت امام :

«عَنِ الْفَضِيلِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) يَقُولُ: مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمَوْتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ وَ لَا يَعْدُرُ النَّاسُ حَتَّى يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَا يَضُرُّهُ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُهُ وَ مَنْ مَاتَ عَارِفًا لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ.»

(المحاسن، 155؛ عنه البحار، ج 23 ، ص 77 ، ح 6.)

فضیل گفت از حضرت ابو جعفر علیه السلام شنیدم می فرمود : هر کس بدون امام بمیرد مرگ او چون مردن مردم جاهلیت است هرگز عذر مردم را در شناختن امام نمی پذیرند، کسی که با شناختن امام بمیرد، او را زبانی نخواهد رسید چه جلوتر از ظهور امام بمیرد یا بعد از آن و کسی که بمیرد ؛ در حالی که امامش را شناخته، از دنیا برود، مانند کسی است که با قائم عجل الله فرجه در خیمه او بوده است .

«عَنْ سَلَمَةَ بْنِ عَطَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليه السلام) عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ذَكَرَهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمْ

الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»

(علل الشرايع، ص 9؛ عنه البحار، ج 5، ص 312، ح 1.)

سلمه بن عطا از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که فرمود:

حضرت امام حسین علیه السلام در میان اصحاب خود فرمود: اصحاب من! خداوند مردم را آفرید تا او را بشناسند وقتی شناختند او را می پرستند وقتی او را پرستیدند از پرستش دیگران دست می کشند.

مردی عرض کرد یا ابن رسول الله پدر و مادرم فدایت معنی معرفت خدا چیست؟

فرمود همان معرفت و شناخت اهل هر زمانی است امام زمان خود را.

مرحوم شیخ صدوق رحمت الله علیه بعد از نقل این روایت می گوید :

«يعني بذلك أن يعلم أهل كل زمان زمان أن الله هو الذي لا يخليهم في كل زمان من امام معصوم فمن عبد ربا

لم يقم لهم الحجة فإنما عبد غير الله عز و جل.»

(علل الشرايع، ص 9.)

اهل هر زمان باید بشناسند و بدانند که خدا ایشان را وا نگذاشته و زمین را خالی از امام معصوم ننموده کسی که بپرستد خدایی را که حجت برای مردم قرار نداده او خدای واقعی را نپرستیده دیگری را پرستش نموده.

و مرحوم علامه مجلسی نیز می گوید :

«لعله (عليه السلام) إنما فسر معرفة الله بمعرفة الامام لبيان أن معرفة الله لا يحصل إلا من جهة الامام أو

لاشترط الانتفاع بمعرفته تعالى بمعرفته عليه السلام و لما ذكره الصدوق رحمه الله أيضا وجه.»

شاید امام علیه السلام که معرفت خدا را معرفت امام دانسته منظورش این است که معرفت خدا حاصل

نمی شود مگر از طرف امام یا به جهت این که شرط انتفاع از معرفت خدا معرفت امام است که اگر خدا را

بشناسد ولی امام شناسی نداشته باشد ، خداشناسی او برایش سودی ندارد و توضیحی که صدوق نیز داده است

بی مناسبت نیست.

(البحار، ج 23، ص 83.)

ب : امام ، مظهر اسماء حسناى خداوند :

مرحوم شیخ کلینی رحمت الله علیه در کتاب شریف کافی این روایت را نقل می کند:

«عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا»

قَالَ نَحْنُ وَ اللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا.»

(الكافي، ج 1، ص 143.)

و آن حضرت راجع به قول خدای عز و جل «خدا را نامه ای نیکوست او را به آنها بخوانید» فرمود: سوگند بخدا

ماییم آن نامه ای نیکو که خدا عملی را از بندگان نپذیرد مگر آنکه با معرفت ما باشد .

فقال على عليه السلام: «...فَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَنَا وَ عَرَفْنَاهُ.»

به بهشت نمی رود مگر کسی که ما را بشناسد و ما او را بشناسیم.

ج : احاطه علمی امام بر همه امور عالم :

«فَإِنَّا يَحِيطُ عِلْمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَغْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ.»

(بحارالانوار، ج53، ص 175)

ما از اخبار و اوضاع شما کاملاً آگاهیم و چیزی از آن بر ما پوشیده نمی‌ماند .

مرحوم کلینی رحمت الله علیه در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود :

«إِنِّي لأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ أَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ وَ أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ قَالَ
ثُمَّ مَكَثَ هُنَيْئَةً فَرَأَى أَنَّ ذَلِكَ كَبُرَ عَلَى مَنْ سَمِعَهُ مِنْهُ فَقَالَ عَلِمْتُ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ
يَقُولُ فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ.»

(الكافي، ج1، ص 261.)

به راستی من می‌دانم آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و می‌دانم آنچه در بهشت است و آنچه در دوزخ است و میدانم آنچه بود و آنچه می‌باشد، گوید: سپس اندکی صبر کرد و دید که این سخن بر هر که شنید گران آمد پس فرمود: من اینها را از کتاب خدا عز و جل می‌دانم، زیرا خدا عز و جل می‌فرماید: در آن بیان واضح هر چیزی است .

2 - انتظار فرج

دومین وظیفه ای که شیعیان در عصر غیبت دارند، انتظار فرج است: اما سجاد علیه السلام خطاب به ابو خالد کابلی می‌فرماید :

«يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيَّبَتِهِ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ الْمُنتَظِرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ
أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ
بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ص بِالسَّيْفِ أُولَئِكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَ شَيْعَتُنَا صِدْقًا وَ الدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ
سِرًّا وَ جَهْرًا وَ قَالَ (عليه السلام) انْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنْ أَكْثَرِ الْفَرَاجِ.»

(بحار الأنوار، ج52، ص122.)

ای ابو خالد مردم زمان او که معتقد به امامت وی هستند و منتظر ظهور او هستند، از مردم تمام زمانها بهترند؛ زیرا خداوند عقل و فهمی به آنها داده که غیبت در نزد آن ها حکم مشاهده را دارد! خداوند آن ها را در آن زمان مثل کسانی می‌داند که با شمشیر در پیش روی پیغمبر (علیه دشمنان دین) پیکار کرده اند، آن ها مخلصان حقیقی و شیعیان راستگوی ما هستند که مردم را به طور آشکار و نهان به دین خدا می‌خوانند. و هم فرمود: انتظار فرج بزرگترین فرج است.

3 - دعا برای حضرت

خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ، در توقیع معروفی می فرماید:

«وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ.»

(بحار الأنوار، ج 52، ص 92، ح 7.)

برای تعجیل فرج ، بسیار دعا کنید .

مرحوم شیخ صدوق در کمال الدین از احمد بن اسحاق از امام عسکری علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود :

«وَاللَّهِ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ التَّهْلُكَةِ إِلَّا مَنْ يَثْبُتَهُ اللَّهُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ.»

(کمال الدین، ص 384 و بحار الأنوار، ج 52، ص 25، ح 16.)

به خدا قسم (حضرت قائم عج) چنان غیبتی می کند که کسی از مهلکه (بی دینی و گمراهی) نجات نمی یابد؛ جز آنان که خداوند آن ها را در عقیده به امامتش ثابت قدم داشته، و موفق نموده است که دعا کنند خداوند زودتر او را ظاهر گرداند.

4 - حزن اندوه در فراق حضرت

«عَنْ سَدِيرِ الصِّيرَفِيِّ قَالَ دَخَلْتُ أَنَا وَالْمُفَضَّلُ بْنُ عَمَرَ وَ أَبُو بصيرٍ وَ أَبَانُ بْنُ تَغْلِبٍ عَلَى مَوْلَانَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَ فَرَأَيْنَاهُ جَالِسًا عَلَى التُّرَابِ وَ عَلَيْهِ مِسْحٌ خَبِيرٌ مُطَوَّقٌ بِلَا جَبِّ مَقْصَرُ الْكَمِينِ - وَ هُوَ يَبْكِي بُكَاءَ الْوَالِدِ الثَّكَلَى ذَاتِ الْكَبِدِ الْحَرَى قَدْ نَالَ الْحُزْنَ مِنْ وَجَنَتَيْهِ وَ شَاعَ التَّغْيِيرُ فِي عَارِضِيهِ وَ أَبْلَى الدَّمُوعُ مَحْجَرِيهِ وَ هُوَ يَقُولُ سَيِّدِي غَيْبَتْكَ نَفْتٌ رُقَادِي وَ صَيَقَتْ عَلَى مِهَادِي وَ أَسْرَتْ مِنِّي رَاحَةَ فُؤَادِي سَيِّدِي غَيْبَتْكَ أَوْصَلَتْ مُصَابِي بِفَجَائِعِ الْأَبَدِ وَ فَقَدْتُ الْوَاحِدَ بَعْدَ الْوَاحِدِ يَفْنِي الْجَمْعَ وَ الْعَدَدَ فَمَا أُحِسُّ بِدَمْعَةٍ تَرْقِي مِنْ عَيْنِي وَ أَنْيِّنُ يَفْتُرُ مِنْ صَدْرِي عَنْ دَوَارِجِ الرِّزَايَا وَ سَوَالِفِ الْبَلَايَا إِلَّا مُثَلَّ لِعَيْنِي عَنْ عَوَائِرِ أَعْظَمِهَا وَ أَفْظَعِهَا وَ تَرَاقِي أَشَدِّهَا وَ أَنْكَرِهَا وَ نَوَائِبِ مَخْلُوطَةٍ بِغَضَبِكَ وَ نَوَازِلِ مَعْجُونَةٍ بِسَخَطِكَ.»

(کمال الدین، ص 352 و بحار الأنوار، ج 51، ص 219، ح 9.)

سدير صيرفي گفت : من و مفصل بن عمر و ابو بصير و ابان بن تغلب به حضور امام جعفر صادق عليه السلام شرفياب شدیم . دیدیم حضرت روی زمین نشسته و عبائی بی یقه پوشیده ، که آستین هایش کوتاه بود ، و در آن حال مانند پدر فرزند مرده جگر سوخته گریه می کرد و آثار حزن از رخسار مبارکش پیدا بود به طوری که رنگش تغییر کرده بود و در حالی که کاسه چشمش پر از اشک بود، می فرمود:

ای آقای من! غیبت تو خواب را از من ربوده و لباس صبر بر تنم تنگ نموده و آرامش جانم را سلب کرده!.

ای آقای من! غیبت تو مصائب مرا به اندوه ابدی که یکی بعد از دیگری از ما را می‌رباید ، و جمع ما را بهم می‌زند، کشانده است . من با شک چشم و ناله های سینه ام که از مصائب و بلاهای گذشته دارم نمی‌نگرم؛ جز این که در نظرم بزرگتر و بدتر از آنها مجسم می‌گردد .
وقتی امام صادق علیه السلام این چنین در فراق حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، این چنین ناله می‌زند و اشک می‌ریزد ، تکلیف من و شما روشن است!

5 - عهد و پیمان

در دعای عهد که از امام صادق علیه السلام نقل شده است ، این گونه می‌خوانیم :

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أَرْوُلُ أَبَدًا»
(بحار الأنوار، ج53، ص 96)

خداوندا! من بامداد امروز که در آن بسر می‌برم و هر بامدادی تا زنده ام عهد و پیمان خود را با امام خویش تجدید می‌کنم، و بیعت او را بگردن می‌گیرم و هیچ گاه آن را از نظر دور نمی‌دارم و از یاد نمی‌برم.

6 - رعایت تقوی و مانع وصول به حضرت

مهمترین وظیفه شیعیان در عصر غیبت این است که تقوای الهی داشته باشند و اتفاقاً همین کم تقوایی ما شیعیان است که این همه سال از فراق آن حضرت رنج می‌بریم .

«وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِبِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَ لَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ وَ هُوَ حَسْبُنَا وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ»
(بحار الأنوار، ج53 ، ص177 و الإحتجاج، ج2، ص 499)

و چنانچه شیعیان ما - خدا به طاعت خود موفّقشان بدارد- قلباً در وفای به عهدشان اجتماع می‌شدند ، نه تنها سعادت لقای ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد ، که سعادت مشاهده ما با شتاب بدیشان می‌رسید و این ها همه در پرتو شناخت کامل ما و صداقت محض نسبت بما می‌باشد ، بنا بر این هیچ چیز ما را از ایشان محبوس نمی‌دارد جز اخباری که از ایشان بما می‌رسد و ما را مکروه و ناراحت می‌سازد...